

نقش فرهنگ انتظار در تقویت سرمایه اجتماعی*

محمود ملکی راد^۱

حسین حسن زاده^۲

چکیده

سرمایه اجتماعی (social capital) یکی از عرصه‌های مهم سرمایه محسوب می‌شود. عوامل مختلف اعتقادی، ارزشی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تعمیق و گسترش سرمایه اجتماعی نقش دارد. مؤلفه‌های اجتماعی یکی از عوامل مهم آن به‌شمار می‌رود. از منظر جامعه‌شناسان عناصری چون: ارتباطات و روابط اجتماعی، اعتماد عمومی، همکاری و همیاری، همبستگی و انسجام اجتماعی و... از مقومات اصلی سرمایه اجتماعی و از ارکان آن به حساب می‌آیند؛ به گونه‌ای که با آنها هویت نظام اجتماعی شکل می‌گیرد و پویا و شکوفا می‌شود. فرهنگ انتظار علاوه بر کارکردش در حوزه‌های فردی در حوزه‌های اجتماعی نیز نقش پررنگی دارد. تعمیق و تحکیم سرمایه اجتماعی یکی از آنهاست و از این جهت می‌تواند کارکردهای مناسبی را به دنبال داشته باشد. پژوهش پیش‌رو که از نوع تحقیقات اکتشافی است با روش تحلیل کیفی و با ابزار گردآوری اطلاعات در اسناد موجود از طریق کتابخانه «نقش فرهنگ انتظار در تقویت سرمایه اجتماعی» را مورد بررسی قرار داده و ضمن تبیین مفاهیم کلیدی، به این سؤال پاسخ داده است که: فرهنگ انتظار چه نقشی در تقویت سرمایه اجتماعی دارد؟ از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این مقاله تبیین کارکردهای فرهنگ انتظار برای تقویت و تعمیق سرمایه اجتماعی با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی است و در این خصوص از نقش سه مؤلفه: ۱. نظم و انضباط اجتماعی؛ ۲. اتحاد و انسجام اجتماعی؛ ۳. پیوندها و روابط اجتماعی با تأکید بر نقش آنها در تقویت سرمایه اجتماعی گفتگو شده است.

واژگان کلیدی

انتظار، سرمایه اجتماعی، نظم، انسجام، روابط اجتماعی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۷

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (m.malekirad@isca.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران.

مؤلفه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید که در تعمیق آن می‌تواند نقش داشته باشد. زیرا به عناصر فعال در شکل‌دهی نظام اجتماعی و نقش مؤثر آنها در تحکیم پیوندهای اجتماعی تأکید دارد. بدین معنی که هر چیزی که نظام اجتماعی را تحکیم بخشد و اعضای جامعه را با همدیگر نزدیک کند و براساس نقاط اشتراک گردهم آورد و به تعامل و همکاری آنها با همدیگر تأکید ورزد؛ دارای اهمیت است. براین اساس سرمایه اجتماعی به عنوان هدف در نظر گرفته می‌شود و هرآنچه که ناظر به ابعاد اجتماعی انسان باشد و در تقویت سرمایه اجتماعی تأثیر داشته باشد؛ دارای اهمیت بوده و لازم است بدان پرداخته شود و از نقش آن در تحکیم سرمایه اجتماعی گفت‌وگو شود.

سرمایه اجتماعی متکی بر تحکیم و تعمیق اعتقادات و باورها، ارزش‌های اخلاقی و هنجارها و روابط اجتماعی است و مفاهیمی چون روابط اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، قدرت اجتماعی و... در شکل‌دهی آن نقش دارند. برآیند همه اینها منفعت اجتماعی و افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی است. یعنی عواملی چون: نظم و انضباط، اتحاد و انسجام و پیوندها و روابط اجتماعی در تحکیم سرمایه اجتماعی نقش دارند. بدین جهت سرمایه اجتماعی در مقایسه با سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی، از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا بدون آن پیشرفت و تقویت عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی دشوار و غیرممکن خواهد بود.

اعتقاد به مهدویت و فرهنگ انتظار دارای ظرفیت‌هایی است که می‌تواند در ایجاد و تقویت و تعمیق سرمایه اجتماعی نقش داشته باشد؛ و به پویایی و توانمندسازی نظام اجتماعی کمک نماید؛ و در تعمیق مؤلفه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و ارزشی و اجتماعی سرمایه اجتماعی مدد رساند. بررسی هر یک از ابعاد مختلف یاد شده نیازمند نگارش مقاله مستقل است. در مقاله پیش‌رو تنها به کارکرد فرهنگ انتظار در تعمیق مؤلفه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی با روش تحلیل کیفی و با ابزار گردآوری اطلاعات در اسناد موجود از طریق کتابخانه، مورد بررسی قرار داده شده است. هدف اصلی این مقاله بررسی و تبیین نقش فرهنگ انتظار در تعمیق مؤلفه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی است. لازم به یادسپاری است که در این خصوص و با این نگاه تاکنون پژوهش

و تحقیقی سامان نیافته است. لذا تبیین نقش فرهنگ انتظار در تعمیق سرمایه اجتماعی از نوآوری‌های این تحقیق به شمار می‌رود.

مفاهیم

سرمایه اجتماعی

مفهوم «سرمایه» ابتدا ناظر به مسائل اقتصادی بوده و با معیار اقتصادی سنجیده می‌شده است. اما بعد از گذشت زمان از عرصه مسائل اقتصادی پا را فراتر نهاده و به حوزه‌های مختلف انسانی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز وارد شده است؛ و در این میان سرمایه اجتماعی یکی از عرصه‌های مهم سرمایه به شمار می‌رود.

مفهوم سرمایه اجتماعی (social capital) از دو کلمه سرمایه به معنی «داشته‌ها و ثروت» و اجتماعی به معنی «جمع بودن» ترکیب یافته است. کلمه «سرمایه» در این ترکیب می‌تواند ناظر به زایش و پویایی آن باشد یعنی سرمایه اجتماعی همواره باید در حال شکوفایی و پویایی باشد. چون خاصیت سرمایه چنین است و کلمه «اجتماعی» در مفهوم سرمایه اجتماعی، ناظر به بعد اجتماعی انسان است به گونه‌ای که آن را از رفتارهای فردی جدا کرده است.

در تعریف سرمایه اجتماعی حسب ابعاد گوناگون آن از یک طرف؛ و بر حسب دیدگاه‌های مختلف مبتنی بر باورها و ارزش‌ها و هنجارها از طرف دیگر؛ تعاریف مختلفی شده است. از دید «بورديو» ارتباطات و روابط اجتماعی جمعی مقوم اصلی سرمایه اجتماعی است (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۷). و از منظر «پاتنام» عناصری چون: اعتماد و هنجارها و شبکه‌ها مقوم اصلی برای سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند (پاتنام، ۱۳۷۹: ۲۸۵). و از دیدگاه «فیلد» ارتباط رکن اصلی سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۷).

از تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی می‌توان به دست آورد که سرمایه اجتماعی عبارت از هرآن چیزی است که هویت نظام اجتماعی را شکل دهد و آن را سرپا نگه دارد و به پویایی و شکوفایی آن مدد رساند. مانند افزایش اعتماد عمومی، همکاری و همیاری، تحکیم روابط اجتماعی، همبستگی و انسجام اجتماعی و... با این وصف سرمایه اجتماعی از طرفی متکی بر عناصر فرهنگی چون باورها و ارزش‌ها و هنجارهاست و از

طرف دیگر متکی بر عناصر اجتماعی چون انضباط و نظم اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، قدرت اجتماعی و... استوار است که برآیند آن منفعت اجتماعی و افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی است.

انتظار

انتظار در لغت به معنی مراقب بودن و توقع چیزی داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۲۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۱) و چشم به راه بودن چیزی است؛ و در تعریف اصطلاحی، عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که حکایت از آمادگی فرد برای چیزی است که انتظار آن را می‌کشد (موسوی اصفهانی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۵۲). بنابراین انتظار به معنای چشم به راه بودن نسبت به حقیقتی که فرد آماده دیدار او باشد؛ است. از این رو منتظر کسی است که در خود آمادگی لازم برای ظهور امام زمان علیه السلام را ایجاد می‌کند. این آمادگی باعث می‌شود تا وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن آماده نگه دارد. با این وصف انتظار از سنخ تلاش و عمل و تکاپو و تحرک است. «انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دست‌رسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد» (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۶).^۱

مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی که فرهنگ انتظار می‌تواند در شکل‌دهی آنها و تعمیق و تقویت شان برای سرمایه اجتماعی نقش داشته باشد؛ عبارتند از:

انضباط اجتماعی

نظم و انضباط اجتماعی از مؤلفه‌های مهم برای تقویت سرمایه اجتماعی است. انضباط در لغت به معنی نظم داشتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ۴۱۲). و به رفتار دارای نظم و پیرو اصول معین گفته می‌شود (معین، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۹۳). و نظم نیز در لغت به معنای گردآوردن، پیوست نمودن و مقارنت دادن بین اشیای گوناگون است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ۶۸۹-۶۹۰). و هرچه که کنار هم قرار گیرند و به یکدیگر وصل شوند، منظم خوانده می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۵۷۸-۵۷۹). بدین جهت در تعریف آن گفته شده

۱. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم ۱۳۷۵/۱۰/۶: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17917>

نظم در لغت به معنای آرایش، ترتیب و توالی است (چلبی، ۱۳۹۵: ۳۱). از دیدگاه جامعه‌شناسان، تعریف اصطلاحی انطباق و نظم اجتماعی به عوامل مختلفی وابسته است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. آرمان‌های مشترک؛ ۲. هنجارهای مشترک (هنجارهای اخلاقی، اجتماعی، قانونی و رویه‌ای)؛ ۳. مجموعه تعاملی شبکه‌ای (روابط گفتمانی، روابط اجتماعی، روابط سیاسی، روابط مبادله‌ای)؛ ۴. مجموعه مواضع اجتماعی شبکه‌ای (نقش اجتماعی، رتبه اجتماعی، سرمایه اجتماعی). بنابراین در تعریف نظم اجتماعی گفته شده: نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (همان: ۳۶). آگوست کنت، برای ایجاد نظم اجتماعی به اجزای تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. از نظری وجود نهادهای مرتبط با یکدیگر در سطح جامعه مانند خانواده و طبقات اجتماعی، زبان مشترک، نظام اعتقادی مشترک و تقسیم کار از عوامل تشکیل‌دهنده نظم هستند (کوزر، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴).

از دیدگاه دورکیم نظم اخلاقی عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی است (ورسلی، ۱۳۸۸: ۲۷). مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای وی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است. یعنی اینکه بدون انسجام و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۲). به اعتقاد پارسونز در هر جامعه مجموعه قواعدی وجود دارد که آنچه را که هر فرد بایستی انجام دهد، تعیین می‌کند به این مجموعه قواعد «هنجار» گفته می‌شود. به باور او این هنجارها و ارزش‌های اساسی در جامعه، کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کنند و در بقای نظم سهیم‌اند (ورسلی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴).

از دیدگاه «ماکس وبر» تمایلات انسان، درون جامعه شکل می‌گیرد، فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خویش، ارزش‌ها را درونی می‌کند، بنابراین نظم اجتماعی ریشه در سازمان جامعه، ایستارها و ارزش‌های آن دارد (همان: ۴۱). از نظر ترنر نیز انسجام، سازمان‌دهنده نظم اجتماعی است که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۳). از منظر جامعه‌شناسان نهاد دین از میان نهادهای اصلی جامعه، برای ایجاد نظم اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است و جایگاه ویژه‌ای دارد. دورکیم که دین را در مطالعاتش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی برمی‌شمرد، نظم را از کارکردهای آن می‌داند (اسکیدمور، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

فرهنگ انتظار که منبعث از فرهنگ دینی است به تبع دین می‌تواند در تقویت نظم اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در تقویت سرمایه اجتماعی نقش داشته باشد. بدین جهت در ادامه از نقش فرهنگ انتظار در تعمیق نظم اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در ضمن دو مطلب بحث و گفت‌وگو می‌شود:

۱. نقش فرهنگ انتظار در تعمیق نظم اجتماعی با تأکید بر باور به منجی موعود

نظام اعتقادی مشترک در بین مردم یکی از عناصر مهم برای ایجاد و تعمیق نظم اجتماعی است. مهم‌ترین کارکردهای فرهنگ انتظار در تعمیق نظم اجتماعی که از راه ایجاد نظام اعتقادی مشترک به دست می‌آیند؛ عبارتند از:

الف) تکیه بر باور مشترک پیروان ادیان و مذاهب به منجی موعود

باور به منجی موعود را می‌توان یکی از عناصر هویت‌ساز برشمرد که موجب شکل‌گیری هویت جمعی جهانی خواهد شد. به طوری که این باور می‌تواند، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی به وجود آورد. زیرا اجتماع همه پیروان ادیان الهی بر محور منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از منظر جامعه‌شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت؛ و می‌تواند هویت جهانی و فراملی را شکل دهد؛ و موجب شود تا پیروان ادیان در سایه آن با همدیگر به نقطه مشترک برسند. ایجاد چنین نظام اعتقادی مشترک، موجب تحکیم در نظم اجتماعی خواهد بود. فرهنگ یعنی انتظار با تکیه بر این باور می‌تواند هویت مشترک در بین پیروان ادیان و اقوام مختلف و فرهنگ‌های گوناگون به وجود آورد و نقطه اشتراکی را ایجاد نماید و از این جهت بر محور این باور هویت جمعی را شکل می‌دهد و با ایجاد هویت مشترک در تحکیم نظام اجتماعی دارای نقش است. علاوه بر آن در پرتو باور به منجی موعود که فرهنگ انتظار در صدد تثبیت آن است ارزش‌های مشترکی نیز به وجود می‌آید که با تکیه بر آنها می‌توان نظم اجتماعی را تعمیق بخشید. زیرا تکیه بر ارزش‌های مشترک منجی باوری هم می‌تواند پیوند و ارتباط را در میان مردم تعمیق بخشند؛ و هم می‌توانند اعتماد اجتماعی را به دنبال داشته باشند. از این رو می‌توان ادعا نمود که از طرفی در هر اجتماع ارزش‌ها یکی از عوامل مهم برای پیوند مردم با همدیگر می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند:

تکیه بر ارزش‌های مشترک، می‌تواند پیوند ذهنی میان افراد را تقویت کند. بنابراین عملاً در جوامعی که افراد دارای پیوند ذهنی با یکدیگر باشند، اصل وفاداری از

جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به همان میزان انسجام قوت بیشتری می‌گیرد. در هراجماعی، ارزش‌ها بهترین عامل پیوند می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند که می‌توان آن را زمینه‌ساز پیوندهای محکم بین افراد دانست (محرابی، ۱۳۸۷: ۳۷).

تکیه بر ارزش‌های مشترک موجب می‌شود تا پیوند بین افراد هر چه بیشتر مستحکم شود و با استحکام آن، نظم اجتماعی تثبیت خواهد شد. و از طرف دیگر اعتماد اجتماعی نیز همانند ارزش‌های مشترک از مظاهر سرمایه اجتماعی است و یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در نظم اجتماعی به حسای می‌آید. زیرا اعتماد «احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است» (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در مقابل با نبود اعتماد اجتماعی در وفاق اجتماعی نیز خدشه ایجاد می‌شود؛ و با «نبود اعتماد به ویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پرسوءظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند» (باتامور، ۱۳۷۲: ۴۲). بنابراین باور مشترکی که فرهنگ انتظار از طریق باور به منجی موعود نوید آن را می‌دهد؛ می‌تواند پیروان ادیان را در محور خودش جمع کند و زبان و فرهنگ مشترکی را پدید آورد و اعتماد بیشتر مردم نسبت به همدیگر را موجب خواهد شد و در سایه آن نظم اجتماعی نیز تقویت و تثبیت می‌شود.

ب) تکیه بر باور به مهدویت اسلامی و ایجاد هویت مشترک بین پیروان مذاهب اسلامی

باور به منجی موعود در اسلام که در قالب باور به مهدویت متجلی شده، مورد پذیرش همه فرق و مذاهب اسلامی است. این باور ریشه در اعماق تاریخ اسلام دارد و در حقیقت اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن روایات بسیاری است که فرق و مذاهب اسلامی به خصوص اهل تسنن و شیعه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. بنابراین تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی در باور به مهدویت، می‌تواند در ایجاد هویت جمعی مسلمانان مؤثر باشد و زبان مشترکی را برای شان ایجاد نماید و از این جهت نظم اجتماعی را تعمیق می‌بخشد.

ج) تکیه بر باور به امام مهدی علیه‌السلام و ایجاد هویت مشترک بین شیعیان

از منظر شیعه امامیه، عنصر امامت به ویژه باور به امام غائب، هویت جمعی را به

جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور، موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. بر طبق این بینش وجود امام برای تمام ادوار و اعصار لازم و ضروری است. چه وی آشکار باشد و مردم بتوانند او را مشاهده کنند و چه از دید مردم پنهان و غایب باشد. بر این اساس می‌توان گفت:

عنصر امامت عنصر اساسی هویت جمعی شیعیان امامیه به حساب می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۳۰۴).

به باور امامیه و «در مکتب شیعی، امام هویت بخش است... فرهنگ مهدویت در یک جامعه شیعی از آن روی اهمیت دارد که هویت بخش و کانون زندگی شیعیان است. اهمیت اصلی و کلیدی فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست» (بهریزی لک، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۹). زیرا ارتباط و همگرایی مردم بر محور باور به مهدویت، موجب تقویت جامعه‌پذیری مهدوی می‌شود؛ و جامعه‌پذیری مهدوی نیز انتقال عقاید و باورها و ارزش‌ها و هنجارهای مهدوی را به دنبال دارد؛ و در پرتو انتقال این ارزش‌ها مردم احساس هویت بیشتر خواهند نمود. زیرا عقاید و باورها و ارزش‌ها بخش قابل ملاحظه‌ای از عناصر هویتی را تشکیل می‌هند. بنابراین از منظر شیعی، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. نقش اصلی آن، اعطای هویت فرهنگی و دینی به جامعه شیعیان است که به ایجاد و تثبیت نظم اجتماعی کمک می‌کند. زیرا این امر موجب می‌شود شیعیان با همه اختلافات زبانی و قومی و نژادی که دارند، با همدیگر منسجم شوند و در سایه آن حکومت نیز تقویت خواهد شد. این اعتقاد از چند جهت می‌تواند در ایجاد نظم اجتماعی برای جامعه شیعی مؤثر باشد.

مانند: باور به وجود حجت خدا در زمین، با توجه به اهمیت این مطلب در روایات به نقش و جایگاه «حجت الهی» در زمین توجه ویژه شده و بر اهمیت حضور امام به عنوان «حجت الهی» تأکید گردیده است. واژه «حجت» در احادیث و روایات بسیاری آمده و در کتب حدیثی شیعه از قدیم الایام بدان پرداخته شده است. محدثینی همچون کلینی در *اصول کافی*، نعمانی در *کتاب الغیبه*، صدوق در *کتاب علل الشرایع* و مجلسی در *کتاب بحار الانوار* بابی را به همین عنوان اختصاص داده‌اند «باب الاضطراب الی الحجة وان

الارض لا تخلو من حجة» و روایات فراوانی در این زمینه نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۴). پرواضح است که این باور می‌تواند در جهت‌دهی زندگی به سمت اهداف بلند حجت الهی و ترسیم سبک زندگی در جهت خواست حجت الهی، در تهذیب و خودسازی مردم دارای تأثیر است و در ایجاد نظم اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد. علاوه بر آن باور به نظارت امام مهدی علیه السلام بر حالات مردم نیز در تعمیق نظم اجتماعی مؤثر است. زیرا بر پایه این باور، اعمال مردم هراز چند گاهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود و آنان از اعمال همه امت آگاهند. در روایات بسیاری نیز به این مطلب تصریح و تأکید شده است.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، اعمال نیکان و بدان، بنابراین مراقب باشید. آن حضرت برای تأیید این مطلب به آیه ۱۰۵ سوره توبه که می‌فرماید: «خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند» استشهاد نمودند (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۱۹).

از امام باقر علیه السلام نیز در این خصوص نقل شده که اعمال مردم هر هفته بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، بنابراین باید از این که عمل زشتی از کسی سر بزند شرم کند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۲۶). بنابراین باور به این مطلب یکی از عوامل مهم تهذیب نفس و خودسازی است در نتیجه اگر این نگاه در زندگی فردی و اجتماعی حاکم باشد می‌تواند در ایجاد و تعمیق نظم اجتماعی مؤثر باشد. علاوه بر آن باور به ظهور امام مهدی علیه السلام نیز می‌تواند در تحکیم نظم اجتماعی مؤثر باشد. زیرا باور به ظهور موجب می‌شود تا روح انتظار در مردم تقویت شود و انتظار نیز موجب آمادگی مردم در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است؛ و دارای آثار گراندردی هم در حوزه مسائل فردی و هم در حوزه مسائل اجتماعی است. و از این جهت اثر مثبت و سازنده‌ای بر زندگی منتظران دارد که نظم اجتماعی یکی از آثار آن به شمار می‌رود.

۲. نقش فرهنگ انتظار در تعمیق نظم اجتماعی با تأکید بر ارزش‌ها

مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی یکی از مفاهیم اساسی است که مورد توجه قرار داده شده است. از نگاه «آلن بیرو» اندیشیدن در باب ارزش، به معنای اندیشه در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود، خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح

سرنوشت فرد...» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۴۴۵). وی ارزش‌های اجتماعی را «مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کارکردی که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند»، می‌داند. ارزش‌های اجتماعی شامل تمامی انواع ارزش می‌شوند که مردم با آن حیات اجتماعی خود را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آن به نوعی وفاق می‌رسند. در معنایی محدودتر، گاه از ارزش‌های اجتماعی تحت عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و یا دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشند و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می‌انجامند، بدین‌سان عدالت، انسان‌دوستی، دیگرخواهی، مهربانی و... جزو ارزش‌های اجتماعی شمرده می‌شوند (همان: ۳۸۶). در واقع ارزش‌های اجتماعی یکی از ابزارها و وسایلی می‌باشند که جامعه از آن برای نظم اجتماعی سود می‌برد؛ زیرا وجود ارزش‌های اجتماعی در جامعه و کوشش افراد برای دستیابی به آنها باعث فعالیت افراد و موجب شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها می‌شود. در حقیقت آرمان‌ها و اهداف اجتماعی با توجه به ارزش‌های اجتماعی پدید می‌آیند و شکل می‌گیرند (کاوه، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۵).

ارزش‌های اجتماعی کارکردهای مختلفی دارند؛ برخی از کارکردهای آن عبارتند از:

۱. موجب همبستگی و وفاق در جامعه می‌شوند؛ ۲. در تعاملات اجتماعی نظم و هماهنگی ایجاد می‌کنند؛ ۳. شیوه‌های مطلوب تفکر و رفتار جامعه را مشخص می‌کنند؛ ۴. در ایجاد و کنترل هنجارها نقش مهمی دارند؛ ۵. عامل مؤثر برای کنترل اجتماعی هستند؛ ۶. نقش مهمی در ایفای نقش اجتماعی مردم دارند.

اهمیت ارزش‌ها موجب گردیده تا آنها را یکی از لایه‌های مهم فرهنگ و از بخش‌های اصلی آن به‌شمار آورند که بایدها و نبایدهای برخاسته از باور و اندیشه‌ای را بیان می‌کنند. «وحی و عقل و یا دین و فطرت دو منبع مهم باورها و ارزش‌ها و در مجموع دو خاستگاه بنیادین معارف بشری و به عبارتی دو مرجع اساسی برای مسائل جهان‌بینی و حُسن و قبح‌ها و باید و نبایدهای ایدئولوژیک به‌شمار می‌روند. بدین ترتیب، ارزش‌ها، به موازات باورها و در پیوند عمیق با آنها بخش عمده‌ای از معارف بشری را تشکیل می‌دهند. باورها و ارزش‌ها از دو ناحیه با یکدیگر پیوند می‌خورند، یکی از ناحیه سرچشمه بودن باورها برای ارزش‌ها و متقابلاً مبتنی بودن ارزش‌ها بر باورها، و دیگری از ناحیه اتکای هردو مقوله باهم بر خاستگاه‌های مشترکی چون دین و فطرت» (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۹۷).

«عقل و وحی به مدد همدیگر، ارزش‌ها را تبیین و ترسیم می‌نمایند و انسان را نسبت به التزام به ارزش‌ها ترغیب و تشویق و نسبت به اجتناب از ضد ارزش‌ها تحذیر می‌کنند» (همان: ۴۲). از این رو دین نقش مهمی در بنیان ارزش‌ها دارد. در نتیجه اگر فرهنگ بر پایه مبانی دینی بنا نهاده شده باشد؛ استحکام و ثبات بیشتری دارد؛ و بادوام‌تر، پابرجاتر و رشد یافته‌تر خواهد ماند. جامعه‌شناسان ارزش‌های اجتماعی را به شش دسته تقسیم می‌کنند:

۱. ارزش‌های اخلاقی: احکام و رفتارهای دستوری که سعی در سوق دادن جهت رفتار و اندیشه انسان‌ها دارد و شامل تشویق به اعمالی مانند: احسان کردن، ایثار کردن و یا خودداری از اعمالی مثل: دروغ، دزدی، قتل و تجاوز و...؛
۲. ارزش‌های اقتصادی: ارزش‌های مادی که شامل: دارایی و تملک کالاها و...؛
۳. ارزش‌های ملی و سیاسی: مانند: احترام به اصول ناب ملی یا انقلابی مردم، عدالت اجتماعی و...؛
۴. ارزش‌های دینی: ارزش‌های مقدس و معنوی زندگی انسان‌ها که تقریباً در اکثر جوامع از مهم‌ترین و قدرتمندترین ارزش‌های اجتماعی به شمار می‌روند؛
۵. ارزش‌های قانونی و حقوقی: قوانین، تجلی ارزش‌های حقوقی و ضمانت اجرایی برای آن هستند. همگان احترام به قوانین و مقررات جامعه را ارزشمند تلقی می‌کنند؛
۶. ارزش‌های فرهنگی: هرآنچه که در رابطه با فرهنگ مشترک و عمومی برای مردم حائز اهمیت باشد، مانند: دانش و احترام به سالمندان ارزش‌های فرهنگی خوانده می‌شوند (صدیقتی فرد، ۱۳۹۹، ۹۵).

مهم‌ترین ارزش‌های برگرفته از فرهنگ انتظار که در حوزه ارزشی فرهنگ نقش دارد و با ایجاد نظام ارزشی مشترک می‌تواند در تعمیق نظم اجتماعی مؤثر باشد؛ عبارتند از:

الف) ارزش‌های اخلاقی و تربیتی منبعث از فرهنگ انتظار

ارزش‌های اخلاقی یکی از ارزش‌های مهم فرهنگ انتظار است. این ارزش‌ها را می‌توان در حوزه‌هایی چون: خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران؛ خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام؛ خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت دائمی امام بر اعمال؛ خودسازی فردی و اجتماعی از راه ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام؛ مطرح نمود. التزام به این ارزش‌ها می‌تواند

در تعمیق اخلاق جامعه منتظر مؤثر باشد و با تقویت و تحکیم اخلاق نظم اجتماعی نیر تعمیق پیدا خواهد نمود.

ب) ارزش‌های فرهنگی برگرفته از فرهنگ انتظار

ارزش‌های فرهنگی یکی دیگر از ارزش‌هایی که از باور فرهنگ انتظار قابل استخراج است. این ارزش‌ها می‌توانند در تقویت و تعمیق فرهنگ عمومی جامعه منتظر مؤثر باشند و موجب تحول گردند و به تبع آن در ایجاد نظم اجتماعی مؤثر خواهند بود.

برخی از مهم‌ترین این ارزش‌ها عبارتند از: تعمیق عشق و محبت نسبت به امام زمان علیه السلام و احیای یاد امام زمان علیه السلام از طریق ادعیه و اماکن منسوب به آن حضرت این دو عامل مؤثری برای تعمیق فرهنگ دینی در جامعه منتظر خواهند بود. زیرا از طرفی دوستی و محبت نسبت به اولیای الهی در معارف دینی از ارزش بسیاری برخوردار است؛ و از طرف دیگر یکی از ارزش‌های برآمده از شناخت امام زمان علیه السلام، برانگیخته شدن روح محبت مردم نسبت به ایشان است. بنابراین محبت نسبت به امام زمان علیه السلام از ارزش‌های برآمده از فرهنگ انتظار است که می‌تواند موجب شود تا فرهنگ دوستی و محبت نسبت به امام زمان علیه السلام در جامعه منتظر به صورت فرهنگ عمومی در آید طبعاً نهادینه شدن این فرهنگ موجب خواهد شد تا مردم در مسیر خواست امام زمان علیه السلام حرکت کنند و زندگی خود را براساس آن تنظیم نمایند و همین خود عامل مؤثری در کنترل ناهنجاری‌ها خواهد بود و به تبع آن در تعمیق نظم اجتماعی تأثیرگذار است. علاوه بر آن احیای یاد امام زمان علیه السلام از طریق خواندن ادعیه و حضور در اماکن منسوب به آن حضرت نیز یکی دیگر از ارزش‌هایی است که فرهنگ انتظار آن را در پی دارد. توجه مردم به این ارزش در برانگیختن روح عواطف و احساسات جامعه نسبت به امام زمان علیه السلام و ایجاد تقارن روحی مردم با آن حضرت دارای تأثیر است. زیرا افرادی که در مجالس دعا به نام امام عصر علیه السلام حضور می‌یابند و به یاد آن حضرت و برای ایشان دست به دعا بلند می‌کنند و در اماکن منسوب به آن حضرت حضور پیدا می‌کنند در چنین حالی خود را در پیشگاه امام عصر علیه السلام حاضر می‌بینند و به وی اقتدا می‌کنند. طبعاً این امر موجب خواهد شد تا در روحیه مردم اثر مثبت بگذارد و به تبع آن کج‌روی‌ها در جامعه کمتر می‌شود و در نتیجه در ایجاد و تعمیق نظم اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود.

اتحاد و انسجام اجتماعی

انسجام و همبستگی اجتماعی یکی دیگر از مؤلفه‌ها برای تقویت سرمایه اجتماعی است. انسجام و همبستگی، یکی از نیازهای اصلی و بنیادین جوامع انسانی محسوب می‌شود. «انسجام اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد» (محرابی، ۱۳۸۷: ۲۱). واژه انسجام (Integration) نوعی هماهنگی همراه با نظم و سیاق را در ذهن متبادر می‌کند. این واژه مترادف با واژه همبستگی است. «همبستگی، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور لی و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنها باشد... همبستگی با به هم پیوستگی درونی جامعه یا گروه در ارتباط است. همبستگی گروهی آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خویش تن تطابق و همنوایی یابد» (آلن بیرو، ۱۳۸۰: ۴۰۰).

«همبستگی اجتماعی» (social solidarity) در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است» (همان: ۴۰۰). همبستگی و انسجام اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد (محرابی، ۱۳۸۷: ۲۱).

عوامل مؤثر در ایجاد انسجام و وفاق را می‌توان در مناسبات فرهنگی، مذهبی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جست‌وجو نمود و بر آنها تأکید داشت. البته برخی از این مناسبات نسبت به دیگری در ایجاد انسجام از تأثیر بیشتری برخوردار می‌باشند. «مهم‌ترین عامل برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی، ارزش‌های بنیادینی است که از دین و مذهب و ملیت گرفته شده باشد؛ و بالتبع مهم‌ترین وفاق در جامعه نیز، وفاق ارزشی است. یعنی مردم از ارزش‌های مشترکی پیروی کنند. تکیه بر ارزش‌های مشترک از دو جهت در ایجاد انسجام می‌توانند نقش داشته باشند. یکی از جهت ایجاد پیوند در میان مردم است. زیرا تکیه بر ارزش‌های مشترک، می‌تواند پیوند ذهنی میان افراد را تقویت کند. بنابراین عملاً در جوامعی که افراد دارای پیوند ذهنی با یکدیگر باشند،

اصل وفاداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به همان میزان انسجام قوت بیشتری می‌گیرد. و دیگری از جهت ایجاد اعتماد عمومی است. زیرا تکیه بر ارزش‌ها و شخصیت اخلاقی می‌تواند فصل مشترکی را در بین افراد ایجاد کند» (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۲۰۰). بنابراین تکیه بر ارزش‌ها بهترین عامل برای انسجام اجتماعی محسوب می‌شوند و به تبع اعتماد و پیوند سرمایه اجتماعی عظیمی شکل خواهد گرفت. اینک باید دید که باور به مهدویت و فرهنگ انتظار از چه راهکارهایی برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی برخوردار است. مهم‌ترین راهکارهای باور به مهدویت برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی عبارتند از:

۱. اتحاد و انسجام اجتماعی از راه هویت اجتماعی

«هویت» (Identity) در لغت به معنای چیزی که باعث تشخیص فرد می‌شود؛ آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۴۹، ۳۴۹). در واقع هویت چپستی و حقیقت افراد و اشیاء و پدیده‌هاست. «هویت، جنبه‌ها، جلوه‌ها و ابعاد متفاوت و متنوعی دارد، بعد فلسفی، بعد روانی، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی از ابعاد هویت محسوب می‌شوند» (الطائی، ۱۳۹۶: ۳۹). گرچه هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است، و به اعتبار متعلقش انواع مختلفی پیدا می‌کند؛ مانند: هویت دینی، هویت فرهنگی و...؛ اما «مهم‌ترین بعد هویت، بعد اجتماعی یا جامعه‌ای آن است که بر سایر ابعاد هویت، حاکمیت و تأثیر دارد. «هویت اجتماعی (Social Identity) مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). هویت اجتماعی در واقع احساس مشترک افراد نسبت به همدیگر است؛ و «حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است» (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲).

عوامل و عناصر مختلفی در ایجاد هویت اجتماعی تأثیرگذارند. عقاید و باورها بخش قابل ملاحظه‌ای از عناصر هویتی را تشکیل می‌دهند. از این رو آموزه‌های دینی در ایجاد هویت اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردارند و سهم و نقش زیادی در این زمینه

دارند. «هویت دینی میزان آگاهی، تعلق خاطر و میزان درونی سازی باورها، احکام و دستورها و افعال اخلاقی یک دین و یا مذهب است که در فرد دین دار وجود دارد. بخشی از عناصر هویتی دین را عقاید و باورها تشکیل می دهد و بخشی دیگر را دستورات فقهی و اخلاقی دین تشکیل می دهد که در تشریفات مذهبی و رفتارهای جمعی دینداران مانند برپایی نماز جماعات و جمعه و حج و... بروز و ظهور دارند» (همان: ۳۰۲). هویت مشترک در نتیجه همبستگی اجتماعی یکی از آثار مهمی است که این هویت مشترک می تواند به دنبال داشته باشد.

باور به منجی موعود در میان پیروان ادیان الهی، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی به وجود می آورد؛ زیرا اجتماع همه پیروان ادیان الهی حول محور منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت. این باور در دین اسلام در قالب مهدویت متجلی است. و هویت دینی مشترک را در میان فرق مسلمین ایجاد می کند؛ و در اندیشه شیعی، عنصر امامت به ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می دهد. در این رویکرد، باور به حضور حجت حق در همه زمان ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. بنابراین یکی از اهداف اجتماعی فرهنگ انتظار را می توان هویت بخشی آن برشمرد. فرهنگ انتظار از چند جهت می تواند در ایجاد هویت بخشی به منتظران نقش داشته باشد. مهم ترین وجوه هویت بخش آن عبارت است از:

الف) ایجاد هویت بین الادیانی از راه باور به منجی موعود.^۱ براساس این ویژگی مهدویت در آینه باور به منجی موعود، ناظر به هویت جمعی جهانی و بین الادیانی است. زیرا باور به منجی موعود در میان پیروان ادیان الهی، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی به وجود می آورد. وجود این باور با ایجاد هویت واحد بین الادیانی، موجب انسجام و همبستگی اجتماعی خواهد شد و از این جهت گفتمان مشترک بین پیروان ادیان و مذاهب را شکل می دهد.

۱. در تبیین مؤلفه اول در خصوص باور مشترک پیروان ادیان به منجی موعود در ایجاد نظم اجتماعی به نکاتی اشاره شد که برای تقویت هویت مشترک نیز مفید است.

بنابراین: باور به منجی موعود هويت واحد بين الاديانی همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد.

ب) ایجاد هويت مشترک در جوامع اسلامی براساس باور مشترک مسلمانان در اعتقاد به مهدویت اسلامی.^۱

ج) ایجاد هويت مشترک در جوامع شیعی براساس باور شیعیان به مهدویت.^۲ در نتیجه باور به مهدویت موجب می شود تا بین اقوام مختلف اسلامی با فرهنگ های گوناگون، نقطه اشتراکی ایجاد شود و با گردهم آوردن آنها بر محور این اعتقاد، هويت جمعی در میان مسلمانان شکل می گیرد. علاوه بر آن، باور به امامت با رویکرد شیعی نیز موجب شکل گیری هويت جمعی شیعیان می شود؛ و از این جهت باورمندان به مهدویت از طریق تعقیب ارزش های مشترک، و با پیروی از نصوص دینی، هويت واحد پیدا می کنند و با همدیگر متحد و منسجم می شوند و به تبع آن همبستگی و انسجام اجتماعی شکل خواهد گرفت.

بنابراین: باور به مهدویت هويت اسلامی و شیعی همبستگی اجتماعی را شکل می دهد.

۲. اتحاد و انسجام اجتماعی با تأکید بر نقش راهبردی امامت و رهبری در جامعه منتظر

وجود حکومت از نیازهای ضروری بشریت است و با نبود آن، هرج و مرج و ناامنی در جامعه پدیدار می شود و در چنین وضعیتی زندگی برای همگان تلخ و ناگوار می شود. مهم ترین فلسفه تشکیل حکومت و نظام سیاسی، اجرای قوانین به منظور ایجاد نظم در جوامع انسانی است. بنابراین از طرفی وجود قوانین برای تداوم حیات در جامعه انسانی امری اجتناب ناپذیر و ضروری است. و از طرف دیگر به منظور اجرای دقیق قوانین و هماهنگی میان نهادهای مختلف اجتماعی، وجود نهادی چون حکومت، ضرورتی انکارناپذیر است.

۱. در تبیین مؤلفه اول در خصوص باور مشترک مسلمانان درباره مهدویت به عنوان اندیشه اسلامی، با تأکید بر نقش آن در ایجاد نظم اجتماعی به نکاتی اشاره شده است.

۲. در تبیین مؤلفه اول در خصوص باور مشترک شیعیان در باره مهدویت، با تأکید بر نقش آن در ایجاد نظم اجتماعی به نکاتی اشاره شده است.

نیاز جامعه عصر غیبت به حکومت نیز از امور مسلم و غیرقابل اجتناب است. در آستانه غیبت توسط امام معصوم علیه السلام راهکاری اندیشیده شد که با به کارگیری آن جامعه عصر غیبت نیز می‌تواند از حکومت الهی در حد خود برخوردار باشد. برطبق آن راهکار، پیشنهاد شده فقهای جامع‌الشرایط به عنوان نواب عام امام زمان علیه السلام امور مختلف جامعه اسلامی را برعهده گیرند و بدان اهتمام ورزند. برطبق این راهکار ائمه علیهم السلام شرایط و ضوابطی را بیان کرده‌اند تا در طول زمان افراد واجد شرایط برطبق آن ضوابط به عنوان نواب عام شناخته شوند.

اسحاق بن یعقوب در نامه‌ای که توسط نایب دوم یعنی محمدبن عثمان عمّری به محضر امام زمان علیه السلام فرستاده بود؛ سؤالاتی را مطرح کرده بود؛ از جمله پرسیده بود: در پیش آمدهای روزگار در عصر غیبت به چه کسی مراجعه کنم؟ امام زمان علیه السلام در پاسخ نوشتند:

در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث ما مراجعه کنید، آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر راویان حدیث هستم (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۴).^۱

مقصود از راویان حدیث در این توقیع کسانی هستند که علاوه بر نقل حدیث، باید توان فهم و درایت حدیث را نیز داشته باشند؛ زیرا در این سخن امام در حوادثی که رخ می‌دهد، او را به راویان ارجاع داده است. پس راویان باید به گونه‌ای باشند که باید کاری از دست آنها برآید و بتوانند مشکلی از مشکلات رخ داده را حل و فصل کنند و این در صورتی ممکن خواهد بود که راوی حدیث از فهم و درایت حدیث برخوردار باشد تا بتواند پاسخ مشکلات پیش آمده را از دل آن بیرون آورد و وظایف مردم را در حوادثی که در روزگار مختلف رخ می‌دهد را تشخیص داده و برای آن راه حلی را پیدا نماید. بدون تردید چنین افرادی باید از قریحه استنباط و اجتهاد برخوردار باشند تا این وظیفه مهم را بتوانند انجام دهند. بنابراین می‌توان گفت برطبق این توقیع امام زمان علیه السلام مردم را در حوادث و رخدادهایی که برای آنان پیش می‌آید؛ به فقها و عالمان دین ارجاع داده است. بنابراین باور به رهبری نواب عام در عصر غیبت، امری است که در سایه باور به امامت و مهدویت به وجود می‌آید و تشکیل حکومت و نظام سیاسی مبتنی بر رهبری نواب عام (فقها)

۱. «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».

موجب خواهد شد تا در میان مردم و بین اقوام مختلف و فرهنگ‌های گوناگون، هویت جمعی تقویت شود و به دنبال آن نقطه اشتراک در میان مردم به وجود می‌آید و در نتیجه با گردهم آوردن آن‌ها بر محور این اعتقاد، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی به وجود می‌آید و به تبع آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

بنابراین: باور به مهدویت باور به رهبری نواب عام را به دنبال دارد هویت جمعی انسجام اجتماعی را به دنبال دارد و با وجود انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

پیوند و ارتباط اجتماعی

پیوند و ارتباط یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. زندگی اجتماعی ریشه اصلی ارتباط و پیوند مردم با همدیگر است. زندگی اجتماعی عامل مؤثری برای تبادل افکار، نظرات، احساسات و عقاید مردم با همدیگر است؛ و در پرتو آن افراد از فردیت خارج می‌شوند و به جامعه می‌پیوندند و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. در واقع منشأ روابط اجتماعی، مسائل مشترکی است که مردم را با همدیگر پیوند می‌دهد. نقش روابط اجتماعی سامان دادن فعالیت مشترک برای رسیدن به آرمان معینی است که جامعه برای خود تعریف کرده است. وجود ثروت‌های مختلفی که جامعه مالک آن‌هاست حتی اندیشه‌ها، بدون ایجاد روابط اجتماعی، به تنهایی کافی نیستند. هرچه شبکه روابط اجتماعی عمیق‌تر و محکم‌تر باشد؛ به همان میزان کارکرد آن مؤثرتر و ماندگارتر خواهد بود؛ و در سایه آن روابط اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. بنابراین روابط اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی دارد و در باره منشأ زندگی اجتماعی دیدگاه‌های مختلفی است. برخی آن را امری طبیعی و ناشی از فطرت و ذات انسان می‌دانند. برخی دیگر مخالف این نظرند و آن را ناشی از برطرف نمودن نیازمندی‌های انسان می‌دانند. علامه طباطبایی با تأکید بر این مطلب، زندگی اجتماعی انسان را امری طبیعی که ناشی از ذات و سرشت وی باشد؛ نمی‌داند. بلکه آن را برای برطرف نمودن نیازهای انسان، امری ضروری و لازم فرض کرده است. یعنی انسان از روی ناچاری و اضطرار و برای برطرف نمودن نیازمندی‌های خودش باید در اجتماع زندگی کند و به زندگی اجتماعی روی آورد. زیرا نیازمندی‌ها و حوایج انسان‌ها به قدری زیاد است که هر انسانی به تنهایی نمی‌تواند همه

آنها را برطرف نماید؛ بلکه لازم است انسان‌ها دست به دست هم دهند و با تعاون و همکاری با همدیگر حاجات و نیازهای خود را برطرف نمایند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ۱۰۰). برطبق این دیدگاه هیچ فردی به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای خود را برطرف کند. زیرا یا توان و استعداد انجام همه کارها و امور مختلف را ندارد و یا فرصت کافی برای انجام همه امور در اختیارش نیست. بنابراین لازم است هرکدام از افراد در مشاغل و تخصص‌های مختلف به فعالیت بپردازند. تا چرخ زندگی اجتماعی به گردش درآید.

این ویژگی موجب می‌شود تا در تقسیم منافع و مصالح، بین انسان‌ها نزاع و درگیری به وجود آید و در نتیجه زندگی اجتماعی را دست‌خوش فروپاشی قرار می‌دهد. بدین جهت همواره انسان‌ها به عوامل باز دارند نیازمندند؛ تا بتوانند از اختلاف و نزاع جلوگیری نمایند. دین یکی از عوامل مهم در این زمینه به شمار می‌رود و در حقیقت یکی از کارکردهای مهم دین را باید در این حوزه برشمرد. دین با ایجاد رابطه روحی میان خدا و انسان، رابطه اجتماعی را تقویت می‌کند و مؤمنین را به صورت اجتماعی واحد در می‌آورد. براین اساس این امر در بدو تأسیس جامعه اسلامی مدنظر پیامبر اسلام ﷺ قرار داشت و همواره بر آن تأکید شده است. بدین جهت آن حضرت در پرتو اندیشه متعالی و حیانی خود، توانست در جامعه مدینه انسجام و همبستگی مستحکمی را ایجاد نماید و روابط اجتماعی قوی‌ای را پایه‌ریزی کند.

از این جهت از دیدگاه آن حضرت «مؤمن نسبت به مؤمن دیگر چون ساختمانی است که قسمتی از آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۷۷۹). یعنی «رابطه یک مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، مانند رابطه اجزای ساختمانی است که یکدیگر را استوار و پابرجا می‌سازند. مؤمنین یکدیگر را دعا می‌کنند و به یاری همدیگر برمی‌خیزند، و با یکدیگر مواسات می‌کنند، و همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در یک کلام از چنان وفاق و انسجام برخوردار می‌شوند که هر فردی با سایر اعضای جامعه ارتباط واقعی پیدا می‌کند و با همدیگر به فعالیت مشترک دست می‌زنند و زمینه‌های انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورند. بنابراین دین را باید در عداد یکی از عوامل مهم در ایجاد رابطه اجتماعی و انسجام اجتماعی برشمرد. تکیه بر باورهای مشترک دینی و یا مذهبی می‌تواند افراد و گروه‌های پراکنده را پیرامون باور مشترک گرد هم آورد و هویت

جمعی ایجاد نماید. بنابراین عقاید، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای برآمده از دین، نقش مهمی در تحکیم روابط اجتماعی دارند» (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

باور به منجی موعود که مورد وفاق پیروان ادیان است؛ از باورهای مشترک به حساب می‌آید و می‌تواند هویت مشترک ایجاد کند و موجب وفاق و همدلی در میان مردم جوامع مختلف شود و در نتیجه به تحکیم روابط اجتماعی در آن جوامع کمک نماید. علاوه بر آن این باور با رویکرد اسلامی در راستای اعتقاد به مهدویت می‌تواند به تحکیم روابط اجتماعی در جوامع اسلامی کمک کند. همچنین این باور در درون جوامع شیعی در راستای اعتقاد به امامت و ولایت می‌تواند هویت شیعی مشترک در میان اقوام و ملیت‌های شیعی مختلف ایجاد کند و در ایجاد و تحکیم روابط اجتماعی در میان شیعیان مؤثر و مفید باشد. مهم‌ترین راهکارهای فرهنگ انتظار در تحکیم روابط اجتماعی عبارتند از:

۱. تقویت پیوند پیروان ادیان از راه باور به ظهور منجی موعود^۱

اگر باور و اعتقادی بین پیروان ادیان مشترک باشد، این عنصر مشترک می‌تواند در تحکیم روابط و تقویت پیوند در میان پیروان ادیان تأثیر داشته باشد. بدین جهت می‌توان گفت اصل باور به ظهور منجی موعود به رغم اختلافاتی که در کیفیت ظهور و نامگذاری شخص است؛ فصل مشترک همه ادیان به حساب می‌آید؛ این باور می‌تواند با جمع کردن مردم حول محور خودش، در میان پیروان ادیان شبکه مستحکمی از روابط را ایجاد کند و بر تحکیم روابط و پیوند در میان پیروان ادیان کمک نماید. و با تقویت پیوندها و روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

۲. تقویت پیوند مسلمانان از راه باور به مهدویت^۲

قبلاً گفته شد باور به مهدویت اسلامی فارغ از رویکرد فرقه و مذهب خاص، یکی دیگر از عناصری است که می‌تواند در جامعه اسلامی هویت واحد ایجاد نماید و در ایجاد تحکیم روابط اجتماعی جامعه مسلمانان از راه مشترکات مذاهب اسلامی در باور به مهدویت، کمک نماید.

۱. در تبیین مؤلفه نظم اجتماعی به این مطلب اشاره شده است.

۲. در تبیین مؤلفه نظم اجتماعی به این مطلب اشاره شده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله) با تأکید بر این مطلب که باور به مهدویت وجه مشترک همه مذاهب اسلامی است می‌فرماید:

مسئله مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است، یعنی مخصوص شیعه نیست. همه مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه حکومت حق و عدل به وسیله مهدی علیه السلام است؛ قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف در مذاهب گوناگون، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از بزرگان نقل شده است. بنابراین هیچ تردیدی در آن نیست (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰: دیدار با مرکز تخصصی مهدویت).^۱

در نتیجه «فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود علیه السلام هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی علیه السلام متعلق به همه مسلمانان است» (همان، ۱۳۸۴: نیمه شعبان).^۲ بنابراین تکیه مسلمانان بر این باور مشترک می‌تواند در ایجاد پیوند در میام مردم مؤثر باشد و به تحکیم روابط اجتماعی کمک نماید و با تحکیم روابط اجتماعی پیوند مردم با همدیگر بیشتر می‌شود و به تبع آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

۳. تقویت پیوند شیعیان از راه باور به امامت امام مهدی علیه السلام

شیعه امامیه ضمن پذیرش نگاه ادیان به منجی و مذاهب اسلامی به مهدویت، در این زمینه دارای اعتقادات مخصوص به خود نیز هست. یعنی «ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی علیه السلام و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی علیه السلام را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبی و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم» (همان، نیمه شعبان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).^۴ باور شیعیان به امامت امام مهدی علیه السلام می‌تواند در جامعه شیعی هویت مشترک ایجاد کند و از این راه به ایجاد ارتباط و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی کمک نماید. زیرا اعتقاد به وجود واقعی امام زمان علیه السلام می‌تواند الهام بخش معنوی و مایه انسجام، وحدت، امید و تحرک در مردم باشد. برخلاف جامعه‌ای که باور

۱. سیدعلی خامنه‌ای، دیدار با اعضای مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. همان، نیمه شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. در تبیین مؤلفه نظم اجتماعی به این مطلب اشاره شده است.

۴. همان، نیمه شعبان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

به چنین رهبری نداشته باشد و یا معتقد به رهبری باشد که در آینده خواهد آمد؛ چنین جامعه‌ای پیوستگی و انسجام خود را از دست می‌دهد و دچار تشتت و افتراق می‌شود. بنابراین جامعه‌ای که به امام مهدی علیه السلام معتقد باشد سعی می‌کند یکدل و یکصدا در مسیر اهداف بلند آن حضرت حرکت کند و از افتراق و تشتت بپرهیزد؛ و موجب می‌شود جامعه شیعه (جامعه منتظر) خود را همواره در پرتو رهبری امام مهدی علیه السلام ببیند و پیوسته در تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی خود بکوشد. با تقویت پیوندهای اجتماعی، سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

۴. تقویت پیوند و ارتباط مردم از راه مناسک و اماکن

مناسک و اماکن منسوب و مرتبط با حضرت ولی عصر علیه السلام یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد پیوند و روابط اجتماعی است. زیرا از طرفی با حضور افراد در مراسم منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام و برگزاری و شرکت در مراسم دعاها منسوب به آن حضرت از دو جهت در ایجاد انسجام و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر خواهد بود:

اول: حضور در این مراسم موجب جامعه‌پذیری مهدویت می‌شود و فرهنگ انتظار را در افراد تقویت و نهادینه می‌کند. «زیرا تأمل و تدبیر در این ادعیه، معرفت و شناخت ما به امام زمان علیه السلام را کامل‌تر می‌کند و نیاز بیشتری را به آن حضرت، احساس می‌کنیم. لذا با برپایی این مراسم و شرکت در آن، فرهنگ انتظار، در وجود افراد جامعه نهادینه می‌شود و زمینه اصلاح فرد و جامعه، فراهم می‌گردد» (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ۲۴۹). بنابراین یکی از آثار جامعه‌پذیری مهدوی، اتحاد و انسجام و به تبع آن ایجاد روابط اجتماعی است. بنابراین هرچه که بر جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر داشته باشد به همان میزان نیز بر ایجاد شبکه روابط اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

دوم: حضور در این مراسم موجب می‌شود تا بین مردم انس و الفت بیشتری به وجود آید و موجب می‌گردد تا مردم از حال همدیگر بیشتر اطلاع یابند و در رفع مشکلات یکدیگر بکوشند. این نیز موجب تحکیم روابط اجتماعی خواهد شد.

و از طرف دیگر حضور مردم در اماکن منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام نیز همانند مناسک مرتبط با ایشان در تقویت روابط اجتماعی و تحکیم آن دارای تأثیر است. این حضور از دو جهت در ایجاد و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر است:

الف) این حضور موجب می‌گردد مردم با هدف انجام عبادت در آن مکان‌های مقدس جمع شوند و با خواندن ادعیه مخصوص به نیایش می‌پردازند و بر معرفت خویش نسبت به امام زمان علیه السلام می‌افزایند.

یکی از آثار جامعه‌پذیری مهدوی، اتحاد و انسجام و به تبع آن ایجاد روابط اجتماعی است. در حقیقت بین جامعه‌پذیری و ایجاد روابط اجتماعی رابطه متقابل وجود دارد. بنابراین هر چه که بر جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر داشته باشد به همان میزان نیز برای ایجاد شبکه روابط اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

ب) حضور در این اماکن موجب می‌شود تا مردم از حال یکدیگر و مشکلات همدیگر بیشتر آشنا شوند و این آشنایی انس و الفت بیشتری را بین مردم ایجاد می‌کند و در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر خواهد بود (همان: ۲۴۸).

در نتیجه با تقویت و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی که از ارکان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود در جامعه به وجود می‌آید و به دنبال آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت پیدا خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

عوامل و عناصر مختلفی در تعمیق سرمایه اجتماعی نقش دارند. سه مؤلفه اجتماعی: نظم و انضباط اجتماعی، اتحاد و انسجام اجتماعی و پیوندها و روابط اجتماعی از مقومات اصلی سرمایه اجتماعی و از ارکان آن به حساب می‌آیند. فرهنگ انتظار از ظرفیت‌های برخوردار است که می‌تواند در تعمیق این مؤلفه‌ها نقش داشته باشد و به تبع آن موجب تقویت سرمایه اجتماعی گردد. فرهنگ انتظار از طرفی در تقویت نظم و انضباط اجتماعی مؤثر است. چون موجب می‌شود نظام اعتقادی مشترک که یکی از عناصر مهم برای ایجاد و تعمیق نظم اجتماعی است؛ در بین مردم به وجود آید و با ایجاد نظم اجتماعی، سرمایه اجتماعی نیز تعمیق پیدا می‌کند. مهم‌ترین راهکارهای فرهنگ انتظار در ایجاد نظم و انضباط اجتماعی سه راه ذیل است: اول: از راه نظام اعتقادی مشترک بین پیروان ادیان مختلف در جوامع مختلف؛ دوم: از راه نظام اعتقادی مشترک بین پیروان دین اسلام از راه باور به مهدویت اسلامی؛ سوم: از راه نظام اعتقادی مشترک بین شیعیان از راه باور به امامت امام مهدی علیه السلام. تکیه به این سه عامل علاوه بر آن که در

ایجاد نظم و انضباط اجتماعی دارای اثر است؛ در ایجاد پیوند و ارتباط اجتماعی نیز نقش دارد و از این منظر می‌تواند مایه تقویت سرمایه اجتماعی گردد. از طرف دیگر فرهنگ انتظار می‌تواند با ایجاد و تقویت هویت اجتماعی و با تأکید بر باور به امامت و رهبری در جامعه منتظر موجب شود تا اتحاد و انسجام اجتماعی به وجود آید و به دنبال آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت گردد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: نشر صدوق، اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالصادر، سوم.
۳. اسکیدمور، ولیام (۱۳۹۲)، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم.
۴. باتامور، توماس برتون «تی. بی.» (۱۳۷۲)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر مؤسسه کیهان، چهارم.
۵. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴)، *شکل‌های سرمایه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
۶. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۴)، *سیاست و مهدویت*، قم: حکمت، اول.
۷. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان، چهارم.
۸. پاتنام، رابرت (۱۳۷۹)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، تهران: پرهیزکار.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، *مهدویت و آینده پژوهی*، تنظیم: رحیم کارگر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۹۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، هشتم.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران، دوم.
۱۳. رهنمایی، احمد (۱۳۸۳)، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، اول.
۱۴. ریچارد، جنکینز (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.

۱۵. زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر، اول.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۹۵)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: نشر دی.
۱۷. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲)، *امنیت اجتماعی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اول.
۱۸. صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۹)، *جامعه‌شناسی*، تهران: ارسباران، اول.
۱۹. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، دوم.
۲۰. الطائی، علی (۱۳۹۶)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان، سوم.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم.
۲۲. فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: کویر.
۲۳. کاوه، محمد (۱۳۹۱)، *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*، تهران: جامعه‌شناسان، اول.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم.
۲۵. کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۲)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، هجدهم.
۲۶. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷)، *بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، اول.
۲۷. معین، محمد (۱۳۶۳ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر، ششم.
۲۸. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۲۹. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۰۴ق)، *مکیال المکارم*، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه‌السلام، سوم.
۳۰. نعمت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی*، شماره ۵۰، سال سیزدهم.
۳۱. ورسلی، پیتر (۱۳۸۸)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم*، تهران: جامعه‌شناسان، اول.
۳۲. سایت مقام معظم رهبری (<https://farsi.khamenei.ir>)